

گردآوری:
شروین شهباس پور
سهراب محبی



گولستانه
GOLDESTANEH
Cinema
پرونده

این هنر جنگ

بررسی دامنه‌های واکنش هنر نسبت به جنگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پرونده
روایای بیداری
در
گهواره بین‌النهرین

نوشته رویا منجم

۲۵ مارس ۲۰۰۲ • پیوند

۱

نوعیدی

امسال بهار در بین‌النهرین باستانی نه با شقایق و لاله قرمز که با خون اسنان‌ها شکفت. دجله و فرات نه با سیل بر فهای آب شده که با سیلاب لشک خروشینند.

امسال بهار نتوانست تور شکوفه خود را برای گهواره تمدن ببافد.

امسال به جای پرستوها و جلجله‌ها، پرنده‌های آهنین خیر رسیدن بهار را بر سواحل باستانی دجله و فرات پخش کردند.
امسال مزارع بین‌النهرین به جای گاواهنی که با دستان مهربان کشاورزان کشیده شود، با بمب و موشک خیش زده و با تانک‌ها کربنبدی شد.

امسال به جای شمیم شیرین بنفشه و سنبل و سیگلمه، بوی تلخ نابودی و نومیدی و مرگ هوای بهشتی بهار را معطر کرد.
امسال به جای آواز آرام‌بخش بیلان، فریاد اضطراب‌آور پرنده‌های آهنین، سکوت مرگبار ارتش تاروهار شده زمستان را شکست و به جای نور آسون‌کننده گرم‌های شب‌تاب، نور کورکننده ضد موشک و ضد هوایی شبهای بهاری را روشن کرد.

امسال در حالی که ساقهای زیبای علف تازه روییده به رقص و پانکویی بهاری خود یا پامجال‌های عشوه‌گر وحشی خیس از زالمهای صبحگاهی مشغول بودند، لشک‌های الماسی صدها هزار چشم رنگارنگ گونه‌های از شرم سرخ‌شده انسایت روبه‌محاط را خیس کردند.

امسال در حالی که زمین تور سفید خود را برای جشن بهار می‌پوشید ما شرمگین برای شرکت در رژه انسایت روبه‌محاط لباس سیاه بر تن کردیم.

امسال بهار نه با خنده و پانکویی برای پیروزی بر زمستانی سرد و طولانی که با لشک و زاری برای شکست مهر و شفقت و عشق به دست نفرت و ستمگری آغاز شد.

اگر گناه اسنان خوردن میوه‌ممنوعه از درخت دانش خوب و بد است، گناه گل‌ها، درخت‌ها، پرتنگان، پروت‌ها، ماهیان و خزندگان و... چیست؟

آیا این بهار آخرین بهار این سیاره‌ی آبی زیبا نیست؟

امید

امسال در حالی که زمین با غرش آذرخش‌ها از خواب سرد زمستانی خود بیدار می‌شود، شاید که غرش جنگ سرانجام انسایت را از خواب زرف و طولانی خود بیدار کند.

امسال در حالی که خورشید بهاری قلم‌های پوشیده از برف را گرم می‌کند، شاید که سرانجام قلب‌های یخ‌زده انسایت با گرمای دستان پرمهری که از دهشت جنگ و کشتار به یکدیگر پناه می‌برند، گرم شود.

امسال در حالی که باران بهاری تشنگی چمنزارها و مراتع به تازگی سبز شده را فرو می‌نشاند، شاید که سرانجام گلزارهای پژمرده قلب‌های اسنان‌ها از چنگال خشک‌سالی مرگبار بی‌تفاوتی و عاطف‌مردگی رها شود.

امسال در حالی که طبیعت با میلیون‌ها درخت و گل و چشمه‌های جوشنده و رودهای خروشنده و پرند‌های آوازخوان و جانوران خوشحال، صرف‌نظر از گونه و رنگ و جنسیت، نوزایی خود را جشن می‌گیرد، شاید که ذهن آدمی آستن آن‌گونه جدیدی است که دیگر نه با هویت زشت و نفرت‌انگیز و غیرانسانی نژادی، ملی، اجتماعی، جنسی و خودمدارانه که با بی‌خودگی زیبا و عاشقانه عشاقی انسانی‌ای تعریف شود.